

## راهکار های همزیستی مسالمت آمیز در فقه اسلامی<sup>۱</sup>

### چکیده

بدون شک کاربست اصل همزیستی مسالمت آمیز در زندگی جامعه انسانی، به ویژه در جوامع چند فرهنگی از حیاتی ترین و بنیادی ترین ضروریات تداوم زندگی به حساب می آید. از سوی دیگر فقه اسلامی را فقیهان، قانون زندگی، به حساب آورده اند. سؤال اساسی که این مقاله در صدد پاسخ دهی آن است، این است که: در فقه اسلامی چه راهکار های در خصوص همزیستی مسالمت آمیز، ارائه شده است؟ از خلال منابع دینی و متون فقهی می توان راهکار های را در خصوص همزیستی مسالمت آمیز به دست آورد که مبتنی بر اصولی اساسی است. عمده ترین این اصول را می توان در کرامت انسانی، احترام متقابل، تکیه بر فرهنگ گفتگو، تعامل و پرهیز از توهین، افترا و رعایت اصل عدالت جستجو کرد. تألیف قلوب، قبول صلح و آتش بس، ردّ و دایع، تنظیم بازار بر اساس روابط انسانی، پابندی به پیمان ها و معاهدات؛ رعایت اصل عدالت و احترام متقابل اساسی ترین راهکار های که است در فقه اسلامی در این باب مورد توجه فقیهان قرار گرفته است. همزیستی مسالمت آمیز را، با نگاه به آموزه های دینی، در سه سطح می توان بازگو و باز تولید کرد: جامعه بشری، پیروان ادیان توحیدی و جامعه اسلامی. در سطح جامعه انسانی، عمدتاً عدم تعرض، یاری، تعاون و پابندی به اصل عدالت توصیه گردیده است. در خصوص همزیستی با پیروان ادیان

---

<sup>۱</sup> علیرضا احمدی، دکتری فقه و علوم سیاسی.

توحیدی علاوه بر مؤلفه های پیش گفته؛ گفتگو، اتحاد حول محورهای سه گانه خدایپرستی، نفی رژیم های طاغوتی، و عبادت معبود راستین؛ پیشنهاد گردیده است. سرانجام، در گام سوم، وحدت، اخوت و برادری دینی را به عنوان دلپذیرترین آموزه قرآنی توصیه نموده است. کاربست راهکارهای ارایه شده می تواند تأمین کننده همزیستی مسالمت آمیز در تمامی سطوح باشد.

**واژگان کلیدی: همزیستی مسالمت آمیز، راهکار، فقه اسلامی، اخوت دینی، کرامت انسانی.**

## بیان مسأله

یکی از اصلی ترین دغدغه های انسان های آزاد اندیش در طول قرون و اعصار، زندگی مسالمت آمیز جامعه انسانی بوده است. زندگی بدون جنگ، خون ریزی، تعدی، تضاد و تعارض؛ همراه با صلح و سازش، آرمانی دست نیافتنی همیشگی همه جوامع انسانی موجود بر روی این کره خاکی در هر عصر و زمانی بوده است. دانشمندان، در عرصه های مختلف، همواره کوشیده اند تا با اریه نظریه های جامعه انسانی را از این مخمصه نجات دهند. فیلسوفان، دانشمندان علم سیاست، جامعه شناسی ساسی، محیط زیست و... کوشیده اند تا با ارایه نظریه های نقطه پایانی بر این دغدغه همیشگی انسانها بگذارند. ولی آنچه که مسلم است این است که همگی درین تلاش ناکام مانده و جامعه بشری تاکنون به این آرمان دست نیافته است. نه تنها چنان شد که امروز از هر زمانی دیگری در معرض بدترین تهدیدها، قرار دارد. چه اینکه وجود بیشترین سلاح های هسته ای تهدیدی است که قدرت آن را دارد تا تمام بشریت را یکجا نابود سازد. بنابراین؛ این که گفته شده است سال های پس از (۱۹۴۵) را باید عصری پس از جنگ نامید سخنی کاملاً عاری از واقعیت است. چه اینکه آنتی گدنز (۱۹۸۹: ۳۴۴) سیر کشته شده گان در جنگ را در قرن های ۱۸، ۱۹، و ۲۰ مقایسه نموده می گوید در قرن هجدهم چهار میلیون و چهار صد هزار نفر و در قرن

نوزدهم هشت میلیون و سیصد هزار نفر و در قزن بیستم ۹۸ میلیون و هشتصد هزار نفر، در جنگ کشته شده اند. بدون شک باید گفت در قرن بیست و یکم آمار کشته شده گان در جنگ بسیار فراتر از صد میلیون نفر خواهد بود.

در این میان با نگاه کلی به کشور های اسلامی می توان نتیجه گرفت که امروزه بیشترین نا آرامی را پشت سر می گذارند. و اصولاً امروزه کمترین کشور اسلامی وجود دارد که در طول هر ماه، هر هفته و گاه هر روز دچار نا آرامی و تعارضات قومی و نژادی مذهبی، قتل و انتحار و هتک نوامیس همدیگر نباشند. اینکه چه عواملی باعث این همه فجایع شده است؛ سخنی است که بررسی علل و عوامل آن؛ خارج از ظرفیت این مقاله است. ولی آنچه نقداً می توان گفت این است که باید قبول کنیم که ریشه تمامی جنگها و نزاع ها فاصله گرفتن دوری از آموزه های دینی است و مسبب های اصلی این درگیری ها، زیاده خواهی ها و طغیان گری های سردم داران استعمار می باشند. و آنان هیچ گاه از این خباثت های ضد انسانی دست بر نخواهند داشت. ولی این که به چه دلیل جامعه اسلامی در این دام خطر ناک گرفتار شده اند. بدون تردید فاصله گرفتن از آموزه های اصیل اسلامی و کج فهمی ها از متون دینی را می توان یکی از اصلی ترین علل و عوامل آن بر شمرد. زندگی مسالمت آمیز اقوام، مذاهب و ادیان مختلف در کنار یکدیگر فقط در سایه آموزه های دینی امکان پذیر است. برد باری مذهبی، دینی و تحمل و برد باری انسانی که از اصلی ترین آموزه های ادیان آسمانی است؛ تنها راه حلی است که می توان بیان کرد. آموزه های اسلامی این ظرفیت را دارد که با قبول وجود اختلاف های دینی، مذهبی، قومی و نژادی و چند فرهنگی ها، زندگی بدون درگیری، تعارض و تنش را تجربه کرد. قرآن مجید به عنوان کتاب زندگی آنجا که که بحث و گفتگو دیگر نتیجه بخش نیست به زیبایی هر چه تمام تر، راهکار عمل به معتقدات خویشتن به شرط عدم تعدی به حریم دیگران را ارائه داده است. قل یا ایها الکافرون لا اعبد ما تعبدون ولا انتم عابدون ما اعبد ولا انا عابد ما عبدتم ولا انتم عابدون ما اعبد لکم دینکم ولی دین (کافرون / ۱-۶) و این یعنی همزیستی مسالمت آمیز.

با در نظر داشت این سخن که، فقه اسلامی قانون زندگی کردن است؛ سؤالی که وجود

دارد این است که: در آموزه های دینی به ویژه فقه اسلامی، چه راهکارهای در این زمینه وجود دارد تا درسایه آن بتوان با قبول چند فرهنگی ها و پای بندی به کیش و آیین خویشتن؛ یک زندگی همراه با صلح و سلامتی را برای جامعه انسانی به ویژه جامعه اسلامی به تجربه کرد؟ بنابراین در این مقاله پس از تعریف اجمالی همزیستی مسالمت آمیز، سطوح همزیستی، تئوریا، اصول و سرانجام راهکار های همزیستی مسالمت آمیز با رهیافت فقهی، مورد توجه قرار گرفته است.

### الف) تعریف همزیستی مسالمت آمیز:

در زبان فارسی تعاریف مختلفی برای این کلمه ذکر شده که یکی از آن تعاریف عبارت است از: با هم زیستن، زندگی دو تن یا دو گروه با یکدیگر درحالی که شاید مناسب یکدیگر نباشند است. (دهخدا، ج ۱۴: ۲۰۸۱۷۱) مهمترین واژه ای که در زبان عربی معادل کلمه «همزیستی مسالمت آمیز» به کار برده می شود واژه ی «التعايش السلمی» بوده و در زبان انگلیسی، واژه های Peaceful coexistence است. اما در اصطلاح همزیستی مسالمت آمیز عبارت است: «از زندگی افراد، فرقه ها و گره های مختلف انسانی در کنار یکدیگر به شرط عدم توهین به همدیگر و آمادگی برای شنیدن کلام یکدیگر (دیگر پذیری) و رعایت حقوق و آزادی های اساسی همدیگر». (تعریف دکتر رهایی با کمی تغییر در عبارت)

امروزه دولتها نیازمند امنیت و همزیستی مسالمت آمیز هستند و در حقوق بین الملل معاصر از طرق مختلف برای صلح و آرامش بین المللی تلاش می شود. روابط انسانها با یکدیگر زمانی می تواند از آسیب پذیری مصون بماند که بر اساس ملاکهای منطقی، معقول و عادلانه تنظیم شده باشد و مکتبی که عادلانه ترین ملاکها را برای تنظیم روابط انسانها ارائه دهد موفق ترین و سازنده ترین مکتب به شمار می رود. بدون شک اسلام که در تمامی جنبه های اجتماعی بدون راهکار نیست در این زمینه نیز راهکارهای لازم را دارد.

## ب) سطوح همزیستی مسالمت آمیز

همزیستی مسالمت آمیز سطوح مختلفی دارد، در سطح جامعه انسانی حد اقل هارا با رعایت کرد. در این مرحله، آموزه دینی، بشتر بر عدم تعرض، عدم توهین، واحترام وتکریم انسانیت، تأکید دارد. در سطح دوم که پیروان ادیان توحیدی مراد است، به تعاون، تعامل و گفتگو واجتماع حول محور های سه گانه عبادت خداوند، نفی شرک ونفی رژیم های طاغوتی توصیه شده است. وسر انجام در سطح سوم یعنی در سطح برادری و اخوت دینی، همزیستی مسالمت آمیز در پیمانه فراتراز تعامل وتعاون وگفتگو توصیه گردیده است. در این سطح، آموزه های اسلامی بر کمال همکاری، ملایمت، ودر یک کلام همه را چون خود دیدن، وحدت ویک رنگی، اخوت وبرادری دینی، پافشاری می نماید:

### ۱. همزیستی عادلانه در حوزه جوامع بشری (وحدت جهانی)

نخستین سطح همزیستی مسالمت آمیز، همزیستی همراه با رفق ومدارا در کل جامعه انسانی است چنانکه آیه شریفه «یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات / ۱۳) بدان اشاره دارد. در این آیه شریفه بحث انسان بما هو انسان مطرح است. چنانکه امیر المؤمنین علیه السلام در نامه معروف خود به مالک اشتر به زیبایی هر چه تمامتر، آن را به این فرمانده رشید خویش یاد آوری می نماید: «واشعر قلبك الرحمة للرحمة والمحبة بهم ولا تكونن عليهم سباعا ضاريا تغتم اكلهم فانهم صنفان اما اخ لك في الدين واما نظير لك في الخلق» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) در این بیان زیبا، سخن حضرت در باره تمامی شهر وندان است فارغ از هر گونه رنگ، نژاد کیش و آیین. ودستور حضرت ملازمه لطف ورحمت است به گونه ای که رحمت ومحبت را باید شعار قلب خویش قرار بدهد. آنچه زیبایی این کلام نورانی به نهایت رسانده است تعلیل امام علیه السلام است که می فرماید او نظیر لك في الخلق یعنی در جهت ابراز محبت و رعایت حقوق شهروندی فقط انسان بودن ملاک است.

### ۲. پیروان ادیان توحیدی

آیاتی همانند آیه شریفه ذیل بیانگر این بخش از همزیستی مسالمت آمیز است: «قل

يا اهل الكتاب تعالوا الي كلمه سواء بيننا وبينكم الا نعبد الا الله ولا نشرك به شيئاً ولا يتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله فان تولوا فقولوا اشهدوا بانا مسلمون.» بگو: ای اهل کتاب! بیايد تا بر سخنی که بين ما و شما یکسان است، بایستیم که جز خداوند را نپرستیم و برای او هیچ گونه شریکی نیاوریم و هیچ کس از ما دیگری را به جای خداوند، به خدایی برنگیرد و اگر روی گردان شدند، بگوئید: شاهد باشید که ما مسلمانیم. (عنکبوت / ۶۴)

### محور های اتحاد ادیان توحیدی

یک: پرستش خداوند متعال و نفی شرک ذاتی (الا نعبد الا الله) عبادت خداوند متعال، اولین محوری است که فضای همزیستی مسالمت آمیز را ایجاد می نماید.

دو: نفی رژیم های ارباب و رعیتی (ولا يتخذ بعضنا بعضا اربابا من دوالله)

سه: تأسیس رژیم های ربانی ماکان لبشر ان یوءتیه الله الکتب والحکم والنبوه ثم یقولوا للناس کونوا عبادا لی من دون الله ولكن کونوا ربانین بما کتتم تعلمون الکتاب وبما کتتم تدرسون. (آل عمران / ۷۹-۸۰)

### ۳. امت اسلامی: ( اخوت اسلامی )

آیه شریفه انما المؤمنون اخوه فاصلحوا بین اخویکم. (حجرات / ۱۰) و نیز آیه شریفه یا ایها الذین امنوا ادخلوا فی السلم کافه ولا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین. (بقره / ۲۰۸) عهده دار تبیین این فراز از همزیستی مسالمت آمیز است. چه اینکه در معنای « سلم گفته شده: آشتی و صلحی که در مقابل جنگ باشد؛ معنای لغوی سلم سلم و سلام در لغت به معنای صحت و عافیت است و راغب اصفهانی در مفردات پس از آن که سلام و سلم را به معنی سلامت و دوری از آفات جسمانی تفسیر نموده؛ می گوید: شاید این اختلاف معنی به لحاظ نسبت سلم به فرد و جامعه باشد؛ که سلامت جامعه به صلح است چنان که سلامت فرد به دوری از امراض می باشد و تعبیر دخول در صلح که مفهوم پایداری را می رساند، تنها با قرارداد صلح قابل تضمین است و امثال نهایی امر در آیه با انعقاد صلح امکان پذیر است. (راغب اصفهانی ، ج ۲: ۴۱۲) به هر حال «سلم» در این آیه، بیانگر صلح

و سازش و اتحاد و برادری در درون حوزه اسلامی است.

## محور های وحدت اسلامی:

**یک: قران کریم:** «واعتصموا بحبل الله جميع ولا تفرقوا» به ريسمان الهی تمسك بجويد (چنگ بزويد) و اختلاف نکنيد. آل عمران / ۱۰۳. حبل الله همان دين خدا است. اگر ديوار همزیستی، بر پایه دیانت استوار باشد؛ بدون شك این همزیستی، مسالمت آمیز خواهد بود.

دو: سنت رسول اکرم (ص): «لقد كان لكم في رسول الله اسوه حسنه لمن كان يرجو اليوم الاخر و ذكر الله كثيرا». هر آينه برای شما مؤمنان پيابر اکرم ص الكوى نيكو است و نیز برای کسی که امید روز قیامت را دارد و ذكر خداوند را زیاد بجا میاورد. (احزاب / ۲۱) «فان تنازعتم في شئ فروده الله و الرسول» اگر در مورد چیزی نزاع کردید آن را به خدا و رسول ش باز گردانید. (نساء / ۵۹) سنت پیامبر اکرم (ص) بر همزیستی مسالمت آمیز در همه سطوح، از جمله در سطح اخوت دینی در بالا ترین مرحله آن است.

سه: عترت: پیامبر اکرم (ص) «انی تارك فيكما الثقلين كتاب الله و عترتی». من در میان شما دو چیز گران امانت گذاشتم؛ کتاب خدا و ذریه خودم را. (کافی ج ۲ / ۴۱۴). عترت پیامبر اکرم (ص) محور همزیستی مسالمت آمیز است. به دلیل اینکه سیره علمی و عملی آنان توصیه به رفق، مدارا، گذشت، و رعایت مصالح عالیّه دینی بوده است.

## ج) توریهای همزیستی مسالمت آمیز

### یک: توری عدم تعرض:

این توری بر عدم تعرض به همدیگر اشاره دارد. و اولین گام در همزیستی مسالمت آمیز به حساب می آید. زیر بنای این توری را آیه شریفه «قل یا ایها الکافرون لا اعبد ما تعبدون

ولا انتم عابدون ما عابد ولا انا عابد ما عبدتم ولا انتم عابدون ما عبد لكم دينكم ولي دين» (کافرون / ۱-۶) وآیه شریفه « لا ینھکم اللہ عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین ولم یخرجوکم من دیارکم ان تبروہم وتقسطوا الیہم ان اللہ یحب المقسطین. خداوند متعال نسبت به کسانی کہ در بارہ دین، با شما نجنگیدہ اند و شمارا از خانہ های تان اخراج نکرده اند؛ نہی نمی کند از نیکی نمودن و رعایت عدالت بلکه خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد. (ممتحنہ/۸)

## دو: توری یاری:

توری یاری بر این امر تأکید دارد کہ در مواردی در جامعہ انسانی (حتی غیر مسلمانان) را نیز باید بہ صورت موردی یاری کرد. این توری کہ بر اساس احترام متقابل شکل می گیرد زمینہ ساز برای شکل گیری «توری تعاون» می گردد. مبانی این توری را می توان در آیات قرآن و فرمایشات پیشوایان دینی جستجو کرد. آیات قرآن نشان می دہد کہ خداوند متعال موجودی بہ نام انسان خلق کرد کہ فارغ از نژاد، مذهب و دیانت؛ کرامت ذاتی اوست. این مطلب در تاریخ ذکر شدہ پیامبر اکرم ص بہ احترام جنازہ یک یہودی بر می خیزد و در تشییع جنازہ او شرکت می کند. و در جواب اعتراض تند روان می فرماید: «آیا او یک انسان و صاحب نفس نبود؟» و این، یعنی اینکہ پیامبر ص در عمل نشان داد کہ انسان از کرامت ذاتی بر خور داراست. بنا بر این قبل از ہر گونه تعامل، ہمکاری، عہد و پیمان، اساساً احترام بہ اصل انسان و انسانیت در حد اقل روابط معمولی یک اصل عقلی و اسلامی است. در نامہ امیر المؤمنین بہ مالک اشتر سی مورد جملاتی وجود دارد کہ تمام انسان ہا را دربر می گیرد، یعنی فارغ از ہر گونه ملیت، نژاد، صنف و مذهب. در نہ مورد «ناس» بہ معنی مردم بہ کار رفته. از کلمہ «رعیت» بہ معنی شہروند در سیزدہ مورد استفادہ گردیدہ است. در دو مورد کلمہ «کل امری» بہ معنی ہر انسانی بہ کار رفته است. (ذاکریان، ۱۳۹۰: ۴۸۳-۴۸۲) از ہمہ صریح ترین جملہ حضرت است «واشعر قلبک الرحمتہ للرعیہ والمحبہ بہم ولا تکون علیہم سبعا ضاریا تعتنم اکلہم فانہم صنفان اما اخ لک فی الدین اونظیر لک



فی الخلق» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) در این بیان زیبا، که سخن حضرت در باره تمامی شهر و ندان است فارغ از هر گونه رنگ، نژاد کیش و آیین. در جمله «او نظیر لک فی الخلق» یعنی در جهت ابراز محبت و رعایت حقوق شهروندی فقط انسان بودن ملاک است. بادر نظر داشت سیره پیامبر اکرم (ص) و ایمة اطهار به و وضوح به دست میآید که انسان، فارغ از هر گونه مسایل دیگر قابل احترام است و انسان در ساده ترین و اولین تعاملات خود باید به یکدیگر احترام متقابل داشته باشند.

### ۳) توری تعاون (تعامل):

توری تعاون بر تعاون و همکاری های مثبت دلالت دارد. توری تعاون یا تعامل به مرحله بعد از احترام متقابل اشاره دارد و اموری مثل داد و ستد، رفت و آمد، و مواردی از این قبیل را شامل می شود. احترام متقابل صرفاً مرحله روبرو شدن و با هم بودن کوتاه مدت انسانهاست. ولی تعامل متقابل مرحله فرا تر است. و نوعی داد و ستد را در عرصه های مختلف زندگی شامل می شود. در تاریخ بشر کاروان های تجاری را می توان به عنوان اولین نماد های تعامل متقابل در جوامع گوناگون بشری قلمداد کرد. (ذاکریان، ۱۳۹۰: ۴۸۳).

### ۴) توری اتحاد:

توری اتحاد، بیان گر رفتار همسو همراه با حفظ چار چوب های داخلی هر کشور (و جمعیت) است. در مرحله اتحاد یا اعتماد متقابل روابط بین بازیگران مختلف دقیق تر می گردد. تصمیم ها و رفتار های مختلف برای همدیگر قابل محاسبه بوده و نوعی اعتماد بین آنها بوجود می آید. اعتماد متقابل از جمله ضرورت های زندگی جوامع بشری و ملت ها در تعامل با یکدیگر است. در اثر این اعتماد متقابل است که زمینه اتحاد و اعلان مواضع مشترک با حفظ استقلال داخلی پدید میآید. یکی از نمونه های بارز این نوع همزیستی توأم با تعامل و تعاون را؛ می توان در عهد پیامبر اکرم در مدینه النبی یافت چه اینکه در آن جامعه علی

رغم تکثر اقوام وادیان؛ همگان بر محور میثاق مدینه (طرحی که از سوی پیامبر اکرم پیشنهاد شد) گرد آمدند و زندگی مسالمت آمیزی را آغاز کردند. هر چند به دلیل خباثت های دشمنان به سرانجام نرسید ولی این دولت مستعجل آغازی زیبا و متمدنانه را در پیش گرفته و الگوی مناسبی را فرا روی جامعه انسانی به نمایش گذاشت.

## د) اصول اساسی همزیستی مسالمت آمیز در اسلام

منظور از اصول، یک سری قواعدی بنیادینی حقوقی است که در سطح بسیار گسترده ای میدان عمل دارند و یا یک هنجارهای اصیل و عامی هستند که دولت باید در سیاست خارجی خود نخست و پیش از هر چیز، آن را مبنای عملکرد خود قرار دهد. در نظام حقوقی اسلام، اصول کلی در معنایی گسترده تر، همان قواعد عمومی و جاویدان حقوقی اند که با گذشت زمان و در هیچ شرایطی از اعتبار نمی افتند. همزیستی مسالمت آمیز در اسلام مبتنی بر یک اصول اساسی است که با در نظر داشت آن اصول اساسی، از دوام و بقا بر خور دار خواهد شد. اصول مورد نظر اسلام از نظر کارکرد تمامی سطوح هم زیستی را مورد توجه قرار داده و بایک بزرگ منشی خاصی تمام جوامع انسانی را شامل می گردد مهم ترین اصول اساسی مورد نظر اسلام در باب همزیستی مسالمت آمیز عبارتند از :

### ۱) باور به کرامت ذاتی انسان

بسیاری از آیات قرآن کریم، خطاب به جمیع بشر می باشد، مانند: «یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» ای مردم ما شمارا از مرد وزنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله قرار گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید در حقیقت ارجمند ترین شما نزد خداوند پرهیز گار ترین شماست بی تردید خداوند دانای آگاه است. (حجرات / ۱۳) « و لقد کرمنا بنی آدم و حملناهم فی البرّ و البحر و رزقناهم من الطّیبات و فضلناهم علی کثیرٍ ممّن خلقنا تفضیلاً» بدرستی ما تمام بنی آدم را کرامت بخشیدیم و بر داشتیم ایشان را بر بیابان و دریا و روزی دادیم ایشان را از پاکیزه ها و برتری دادیم ایشان را بر بسیاری از آنچه خلق کردیم برتری

دادنی (ا سراء/ ۷۰). علی علیه السلام نیز با اشاره به همین جنبه اساسی می فرماید: «و اشعر قلبك الرحمة للرعية و المحبة لهم و اللطف بهم و لا تكوننَّ عليهم سبعا ضاريا تغتنم اكلهم، فانهم صنفان، اما اخ لك في الدين، و اما نظير لك في الخلق.» (نهج البلاغه/ نامه ۵۳)

## ۲) اعتقاد به یکی بودن منشأ تمام انسان‌ها

«يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» هان ای مردم! همانا شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و شما را به هیأت اقوام و قبایلی درآوردیم تا با یکدیگر انس و آشنایی یابید، بی گمان گرامی‌ترین شما نزد خداوند پرهیزکارترین شماست؛ که خداوند دانای آگاه است. (حجرات/ ۱۳) پیامبر اکرم ص فرمود: «الناس كما سنان المشط سواء» مردم همانند دندانهای شانه با هم مساوی هستند... (من لا يحضره الفقيه ۴/ ۳۷۹).

## ۳) آزادی عقیده

باور به اجباری نبودن دین یا اعتقادی خاص از اصول اساسی همزیستی مسالمت آمیز است قرآن مجید با صراحت تمام می فرماید «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» هیچ اکراه و اجباری در پذیرش دین وجود ندارد راه رشد از راه ضلالت مشخص گردیده است. (بقره / ۲۵۶) حق بر انتخاب آزادانه مذهب و آزادی خرد مندانه و مبتنی بر یقین در پذیرش دین، از اصول دعوت اسلامی است. به همین سبب خداوند بشارت و رضایتمندی را در شنیدن سخنان و انتخاب احسن می داند «فبشر عبادي الذين يستمعون القول فيتبعون احسنه (زمر/ ۱۸) پیامبر و هر کسی که دعوت پیامبر را پی می گیرند مأمور است که به پسندیده ترین گونه دیگران را دعوت کنند، به نحوی که اعتقاد خلل ناپذیر حاصل آن باشد. به منظور دعوت باید توسط حکمت، یعنی دانشی که نتیجه آن اعتقاد محکم است، صورت پذیرد. «ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن (نحل /

۱۲۵) این آیه استراتژی دعوت اسلام را اتکابه «برهان» و «موعظه» و «جدال احسن» و راهکار دعوت شده گان را نیز گوش فرا دادن به سخنان و انتخاب احسن می داند. (رهایی، ۱۳۸۹: ۱۳۵)

#### ۴) آزادی بیان

قران کریم به رسول گرامی اسلام دستور می دهد تا با حکمت و جدال احسن انسان ها را به اسلام دعوت نماید. «به سوی پروردگارت با حکمت و پند نیکو بخوان و بهترین شیوه گفتگو را با آنان برگزین. (نحل / ۲۵) نیز آیات دیگری بر این نکته اشاره دارد که انسان ها حق دارند در همه زمینه های مختلف عقیدتی، فکری، قانون گذاری و سیاسی اظهار نظر نموده و از آزادی بیان برخوردار باشد.

#### ۵) محترم دانستن عمل هر کس طبق دین خود

از دیدگاه قرآنی، تمامی حقوق و آزادی های همگان محترم است و نباید به هیچ وجه مورد تعدی قرار گیرد، در سنجش حقوق متقابل، قسط و عدالت از معیار های پذیرفته شده در تعیین و سنجش برابری حق ها هستند. (رهایی، ۱۳۸۹: ۴۸۹) قرآن مجید آنجا که به بحث و گفتگو دیگر نتیجه بخش نیست راهکار عمل به معتقدات خویشتن به شرط عدم تعدی به حریم دیگران را ارایه داده است. قل یا ایها الکافرون لا اعبد ما تعبدون ولا انتم عابدون ما اعبد ولا انا عابد ما عابد ولا انتم عابدون ما اعبد لکم دینکم ولی دین (کافرون / ۱-۶)

#### ۶) تکیه بر اشتراکات

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَا مُسْلِمُونَ» (آل عمران / ۶۴) ای اهل کتاب! بیایید تا بر سخنی که بین ما و شما یکسان است، بایستیم که جز خداوند

را نپرستیم و برای او هیچ گونه شریکی نیاوریم و هیچ کس از ما دیگری را به جای خداوند، به خدایی برنگیرد و اگر روی گردان شدند، بگوئید: شاهد باشید که ما مسلمانیم.

## ۷) احترام به پیمان ها و تعهدات بین المللی

یکی از عوامل مهم در ایجاد زندگی صلح آمیز و روابط دو ستانه و مسالمت آمیز میان کشورها، وجود پیمان هایی است که دو یا چند کشور با رضایت خود منعقد ساخته اند. در واقع مهم ترین سرمایه ی جامعه ی جهانی، اعتماد دولت ها و ملت ها به یکدیگر است. در آیات قرآن و احادیث اسلامی، به مسأله وفا به عهد و تعهدات، تأکید فراوانی شده است و شکستن آن از گناهان بزرگ شمرده می شود. « وأوفوا بعهد الله إذا عاهدتم ولا تنقضوا الأیمان بعد توکیدها و قد جعلتم الله علیکم کفیلاً إن الله یعلم ما تفعلون » (النحل/ ۹۱) یا ایها الذین آمنوا داوفا بالعقود. (المایده / ۱) سیره عملی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بر انکار ملیتها و عدم استقلال داخلی آنان استوار نبوده است و با وجود جهانی بودن آیین اسلام، موجودیت قبایل، ملیتها و ادیان دیگر، چه در قلمرو حکومت اسلامی و چه خارج از آن محفوظ بوده است یکی از دلایل سیره فوق، پیمان نامه های بسیاری است که در دوران حکومت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و بعد از وفات آن حضرت با ملت های مختلف امضا شده است. در تمامی موارد تا هنگامی که ملت های غیر مسلمان به پیمان خود وفادار بوده اند، دولت اسلامی نیز پیمان صلح را نقض نمی کرده است؛ زیرا نقض پیمان از دیدگاه اسلام، گناهی بزرگ و غیر قابل گذشت است.

اسلام برای تحقق همزیستی مسالمت آمیز و تحقق صلح در میان ملت ها و جلوگیری از بروز روابط خصمانه و درگیری های خونین، نه تنها برای قراردادها و معاهدات بین المللی ارزش حقوقی فوق العاده ای قائل شده است، بلکه اصولاً ملت ها و گروه های دیگر را نیز برای انعقاد پیمان های صلح دعوت کرده و به جامعه اسلامی توصیه می نماید که در این زمینه همواره پیش قدم باشند و این وظیفه در مواردی که تمایلی از طرف دول و گروه های غیر مسلمان نسبت به عقد قراردادهای صلح و همزیستی مسالمت، احساس می شود، تأکید بیشتر

می یابد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به انعقاد پیمانهای همکاری و صلح تمایل شدیدی نشان می داد و حتی قبل از بعثت بر اصل روابط عادلانه بین قبایل، بر پایه پیمان و معاهده اصرار می ورزید و مکرر می فرمود:

«من در خانه عبدالله بن جدعان، در جاهلیت شاهد بستن پیمان مشترک جهت حمایت از مظلومان، بین نمایندگان قبایل مختلف عرب بودم و چنان بر این پیمان دل بسته بودم که حاضر نبودم در ازای نقض آن، صاحب پربهاترین شتران باشم اگر در اسلام به چنین پیمانی دعوت شوم، فوراً اجابت خواهم کرد.»

در سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تعداد زیادی از پیمانهای صلح و همکاری دیده می شود که بررسی و تحلیل کامل آن نیاز فرصت فراتر از ظرفیت یک مقاله است از مهمترین آنها می توان از پیمان یا منشور مدینه، صلح حدیبیه، پیمان با مسیحیان ایلا و پیمان با مسیحیان سرزمین سینا نام برد. منشور مدینه، در نوع خود یک پیمان دفاعی و همه جانبه بین مسلمانان، یهودیان و مشرکین محسوب

## ه) راهکارهای همزیستی مسالمت آمیز در فقه اسلامی

در فقه اسلامی راهکارهای متعددی در جهت ایجاد و تقویت همزیستی مسالمت آمیز ارایه گردیده است به نحوی که اگر مورد توجه قرار گیرد شرایط زیست و زندگی در جوامع بشری به مراتب بهبود خواهد یافت. که اینک به عمده ترین راهکارها اشاره می می کنیم

### ۱. تألیف قلوب

انما الصدقات للفقراء والمساکین والعاملین علیها والمؤلفه قلوبهم والغارمین وفي سبیل الله وابن السبیل فریضه من الله والله علیم حکیم. همانا مصرف زکات مخصوص [این هشت گروه است] فقیران و عاجزان و متصدیان اداره صدقات و برای تألیف قلوب و آزادی بندگان و قرض دادن و در راه خدا و براه در ماندگان این مصارف هشتگانه فرض و حکم خداوند است که خداوند آگاهست. (توبه/۶۰) طبق برداشت بسیاری از فقهای اهل سنت، و تعدادی

از فقیهان اهل تشیع همانند شهید اول و شهید ثانی و صاحب عروه المؤلفه قلبهم معنی اعمی دارد؛ مسلمان و کفار را شامل می‌گردد. بر این اساس تألیف قلوب شامل گروه‌های ذیل می‌گردد: کفاری که ممکن است به اسلام متمایل گردد، کفاری که با تألیف قلوب از آزار مسلمانان دست بردارند، تازه مسلمانان، سست‌ایمان‌ها و... (طباطبایی، العروه الوثقی ج ۲: ۱۳۲) امام خمینی ره در تحریر این عبارت را دارد: المؤلفه قلبهم وهم الکفار الذین یراد الفهم الی الجهاد والاسلام. (امام خمینی، ۱۳۶۳: ج ۱: ۳۰۸) بنابراین، کار بست راهکاری تألیف قلوب، در زندگی روزمره مسلمانان، می‌تواند، بستر ساز همزیستی مسالمت‌آمیز، در سطح جامعه انسانی باشد.

## ۲) مهاده

اگر در خلال جنگ از طرف دشمن پیشنهاد صلح گردد، مسلمانان موظفند این پیشنهاد را رد نمایند چه اینکه آیه شریفه می‌فرماید: وان جنحو للسلم فاجنح لها وتوکل علی الله انه هو السميع العليم اگر از سوی دشمن به شما پیشنهاد صلح ارایه شد باید بپذیرید نباید رد نمایید و باید به خداوند توکل کرد. (الانفال/ ۶۱) صاحب جواهر می‌گوید: این مسأله اجماعی است بلاخلاف اجد فیه بل الاجماع بقسیمیة علیه مضافا الی قوله تعالی، فاتموا الیهم عهدهم الی مدتهم، عهدهای آنان را تا پایان برسانید. (توبه/ ۲۹) وان جنحو للسلم فاجنح لها (الانفال/ ۶۱) بنابر این صاحب جواهر در جهت قبول صلح به سه دلیل تمسک می‌کند: ۱. اجماع، بل الاجماع بقسیمیة، ۲. آیات قرآن، فاتموا الیهم عهدهم الی مدتهم (توبه/ ۲۹) وان جنحو للسلم فاجنح لها (الانفال/ ۶۱)، ۳. سیره پیامبر اکرم ص که به صورت قطعی از سوی پیامبر اکرم این مطلب اثبات شده است. والی المقطوع من وقوعها من النبی ص فی الجملة. (النجفی، ۱۳۷۴: ج ۲۱: ۲۹۳) کاریست اصل مهاده، به مفهوم تبیین عملی نگاه صلح آمیز دین اسلام است، بدین معنی که آموزه‌های اسلامی بر اساس منطق و عقلانیت پیشرفته است نه جنگ و درگیری.

### ۳) وفای به عهد

وفای به عهد یکی دیگر از راهکارهای است که در جهت تقویت همزیستی مسالمت آمیز فوق العاده تأثیر گزار است ازین رو در فقه اسلامی بدان تأکید فراوان شده است. «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (سوره اسراء / ۳۴. صاحب مسالک الافهام می گوید: دلالت آیه بر وجوب وفای به عهد از دو جهت است: یکی، صیغه امر و دیگری، ازین جهت که گفته «مسئولا» آنچه در روز قیامت مورد بازخواست قرار می گیرد چیز واجب است. (مسالک الافهام إلى آیات الأحكام، ج ۳، ص ۱۵۳) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده / ۱) مراد تمام انواع عقدها و عهدها می باشد، زیرا که واژه «العقود» عام است. معانی که مفسرین ذکر کرده اند تنها مصادیق مختلف آن است. (بجنوردی، ج ۵، ص ۲۱۱)

آیه دربرگیرنده صیغه امر است و ظهور آن بر وجوب دلالت می کند. واژه «عقود» جمع همراه با الف و لام و از الفاظ عموم است. بنابراین، مراد تمام انواع عقد است. بدین معنی که فرقی نمی کند که طرف مقابل مسلمان باشد یا کافر، صاحب جواهر: تا زمانی که از طرف مخالف نقض عهد نشده به هیچ وجه نباید نقض عهد کرد. (النجفی، ۱۳۷۴: ج ۲۱: ۲۹۴) اسکافی یکی دیگر از فقهای شیعه می گوید: اگر بر اساس ضرورت با کفار عهد بستند؛ بعد اگر آن ضرورت یا اضطرار بر طرف شد؛ حق ندارند نقض عهد نمایند.

### ۴) امان

یکی از راهکارهای همزیستی مسالمت آمیز مسأله امان است. چه اینکه اسلام می گوید اگر در وسط میدان جنگ هم یکی از مشرکان فرصت خواستند تا در باره محتوی تبلیغی شما تفکر نماید، نباید این حق از او سلب ننمایید بلکه باید این فرصت را به او بدهید ولی چنین نباشد که از این فرصت پیش آمده سوء استفاده نمایید، بلکه باید زمینه آزادی اندیشه برای او فراهم باشد و بدون هیچ گونه نگرانی در باره آموزه های دین اسلام بیندشند. وانگاه که سخنان شمارا شنیدند او را به جایگاه امنش برسانید. «وان احد من المشركين استجارك فاجره حتى يسمع كلام الله ثم ابلغه مأمنه ذالك بانهم قوم لا يعلمون.»



اگر یکی از مشرکان امان خواستند، تا کلام خدارا بشنود، باید به او امان بدهید، و آنگاه او را به جایگاه امنش برسانید، و این بدان دلیل است که آنان گروه نادانند. (توبه / ۶) صاحب جواهر میگوید و علی کل حال فلا خلاف فی مشروعیتہ بیننا و بین المسلمین کما فی المنتهی بل الاجماع بقسیمیہ علیہ دلایل:

«وان احد من المشركين استجارك فاجره حتى يسمع كلام الله ثم ابلغه مأمنه ذالك بانهم قوم لا يعلمون» (توبه / ۶).

۲. روایت امام صادق علیه السلام و قال السكونی «قلت لابی عبدالله علیه السلام ما معنی قول النبی صلی الله علیه وآله یسعی بذمتی ادناهم قال لو ان جيشا من المسلمین حاصروا قوما من المشركین فأشرف رجل فقال: أعطونی الامان حتی القی صاحبکم واناظره فأعطاه أدناهم الامان وجب علی افضلهم الوفاء به» (الوسایل، باب ۲۰ من ابواب جهاد العدو والحديث ۱)

قال امیر المؤمنین علیه السلام من ایتمن رجلا علی دمه ثم خاس به (ای نکت بالعهد) فانی من القاتل بریء وان كان المقتول فی النار. (الوسایل، باب ۲۰ من ابواب جهاد العدو والحديث ۶) در ادامه صاحب جواهر می فرماید: بل الظاهر لحوق شبهه المان به. یعنی حتی شبهه امان هم کافی است که نباید مورد تعدی قرار گیرد. (النجفی، ۱۳۷۴: ج ۲۱: ۹۲-۹۳) صاحب مهذب در کتاب جهاد میگوید: الامان جایز بكل لسان -عبارة او اشاره- (مروارید، ۱۹۹۰: ۸۷)

## ۵) رد و دایع

یکی از آموزه بلند اسلامی رد امانت است، پابندی به این دستور مؤکد دینی خود راهکار دیگری است در جهت تقویت همزیستی مسالمت آمیز. «ان الله یأمرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل ان الله نعماً یعظکم به ان الله کان سمیعاً بصیراً» خداوند به شما فرمان می دهد که امانت هارا به صاحبانش بر گردانید و هنگامی میان مردم داوری می کنید به عدالت داوری کنید خداوند اندرز های خوبی به شما می دهد خداوند شنواست. (نساء/ ۵۸) امام باقر علیه السلام فرماید سه چیز است که

خداوند در باره آنها به کسی رخصت و اجازه مخالفت نداده است: ادای امانت، به نیکو کار و بد کار، وفای به عهد به نیکو کار و بد کار و نیکی به پدر و مادر چه نیکو کار باشد و چه بد کار «ثلاث لم يجعل الله عزوجل لاحد فيهن رخصه أداء الامانه الى البر والفاجر والوفاء بالعهد للبر والفاجر وبر والدين برين كانا او فاجرين» (کلینی، ۱۴۰۸ ج ۲ ص ۱۶۲) صاحب جواهر در این خصوص می فرماید: باید امانت و ودیعه به صاحبش باز گردانده شود اگرچه ودیعه گذار کافر باشد حتی اگر قاتل شخصیتی همانند امیر المؤمنین یا قاتل امام حسن و امام حسین علیهما السلام یا اولاد انبیا هم باشد دلیل نمی شود تا خیانت در امانت ننماید «و کیف کان یجب الرد ولو کان المودع کافرا لاطلاق الادله و خصوص خبر الصیقل و غیره من النصوص الم ستفیضه المتواتره المأمور بها برد الامانه علی صاحبها وان کان قاتل علی ع او الحسنین ع او اولاد الانبیاء او مجوسیا او شامیا او حروریا المعمول بها بین الاصحاب» (النجفی، ۱۳۷۴: ج ۲۷: ۱۲۴) شهید صدر نیز همین فتوی را دارد می فرماید رد و دایع واجب است اگر خود شخص فوت نموده است باید به وارثش مسترد گردد فرقی ندارد مودع مسلمان باشد یا کافر. يجب رد الودیعه الی المودع او وارثه بعد موته وان کان کافرا. (شهید صدر، ۱۹۸۰: ۱۶۲)

## ۶) رعایت اصل عدالت

اصل حاکم در همه این موارد اصل عدالت است به گفته استاد گرانقدر دکتر رهایی، قاعده القواعد «اصل عدالت» است. صاحب جواهر می گوید اگر اهل ذمه برای تحاکم به شمای (مسلمان) مراجعه کردند باید بر محور اصل عدالت حکم نمایند به دلیل قول خداوند متعال: «وان حکمت فاحکم بینهم بالقسط» (مائده/۴۶) و یا میفرماید: «وان احکم بینهم بما انزل الله ولا تتبع اهواءهم» (مائده/۴۹) صاحب جواهر درین باره می گوید حتی اگر کافر حربی به شما مراجعه کرد تا بین آنها قضاوت نمایید واجب است بر حاکم اسلامی که از روی عدل و انصاف حکم نماید، و جب علی الحاکم ان یحکم بینهم بما انزل الله لقوله تعالی: «وان احکم بینهم بما انزل الله ولا تتبع اهواءهم» (مائده/۴۹) در حوزه بین دینی و روابط

جهانی هر دینی نمی تواند شریعت خود را ملاک برخورد با غیر معتقدان قرار دهد. در این خصوص دو راهکار قرآنی قابل استنباط است. یکی تنظیم روابط بر اساس عهد نامه ها و قرار داد ها و دیگری تنظیم روابط فیما بین بر اساس قواعد انسانی و مشترکات بشری و یابه تعبیر قرآنی «خیرات» یعنی عقل سلیم و منافع انسانی که وجدان و عقل عمومی فواید و آثار مثبت آنرا تأیید می کند. (رهايي، ۱۳۸۹: ۱۷۲) عدالت و قسط به مفهوم عدالت ممکن، عملی و واقعی با لحاظ شرایط موجود زمانی و مکانی معیار تشخیص برای محک زدن قوانین و رفتارهای متقابل است. در روابط بین دینی عدالت عین فرمان دین است به همین سبب هر که عادل تراست دین دار تر و هر که دین دار تر است عادل تراست. (رهايي، ۱۳۸۹: ۱۷۳-۱۷۲) «ياايها الذين آمنوا كونوا قوامين لله شهداء بالقسط ولا يجرمنكم شنآن قوم على الآ تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوى (مايده/۸) قرآن مجید در سوره ممتحنه بیان زیبایی دارد در خصوص اینکه روابط انسانی با کفار چگونه باید تنظیم گردد « لا ینهکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین ولم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین. خداوند متعال نسبت به کسانی که در باره دین، با شما نجنگیده اند و شمارا از خانه های تان اخراج نکرده اند؛ نهی نمی کند از نیکی نمودن و رعایت عدالت بلکه خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد. (ممتحنه/۸) در حوزه دینی گفتگوه بهترین صورت و بر اساس اقتضای زمان و مکان و راهکار تعامل دینی است و عدم توهین و تحقیر ادیان و اعتقادات دیگران از وظایف مشترک عقلانی و دینی و لازمه زندگی مسالمت آمیز است. (رهايي، ۱۳۸۹: ۱۷۳)

## ۷) تنظیم بازار بر اساس روابط انسانی

یکی دیگر از راهکار های اساسی همزیستی مسالمت آمیز در فقه اسلامی، تنظیم بازار است که بر اساس روابط انسانی در نظر گرفته شود، آنچه مورد نظر اسلام است اگر در جامعه پیاده شود بدون شک در ایجاد و تقویت همزیستی مسالمت آمیز، تأثیر فراوان دارد. چه اینکه در یک جامعه انسان ها با فرهنگها نژادها و قومیت ها و آیین های مختلفی اعم از

مسلمان و غیر مسلمان زندگی می نمایند. از سوی دیگر انسان در هر جامعه زندگی کند همواره نیاز مند مراجعه به بازار هستند. ازین رو می بینیم در آموزه های دینی بر این نکته تأکید شده است که بازار باید بر محور روابط انسانی تنظیم گردد. در آیات متعددی بر این نکته گوش زد شده است که بازار مسالمانان باید هیچ تفاوتی را نباید در نظر بگیرد ملاک و معیار انسانیت که البته این نکته از زوایای مختلفی قابل ارزیابی است. ولی آنچه که به بحث فعلی ما مربوط می گردد از نقطه نظر حقوق انسانی و همزیستی مسالمت آمیز فوق العاده قابل اهمیت است که در ذیل به موارد برجسته آن، اشاره می کنیم:

## ۷/۱. حرمت کم فروشی

«ویل للمطففین الذین اذا کتالوا علی الناس یتوفون واذا کالوهم اووزنوهم یخسرون»  
وای بر کم فروشان، کسانی که وقتی از مردم پیمانانه می گیرند تمام می گیرند و چون پیمانانه به مردم دهند یا برای شان وزن کنند بکاهند. (مطففین / ۱-۳) اطلاق آیه دلیل است که شامل غیر مسلمان هم می شود. ملاک «مرم» است. چه اینکه حرمت تطفیف از احکام بین المللی اسلام است. جوادی املی، ۱۳۸۸: ۵۲) شیخ انصاری در کتاب مکاسب محرمه وقتی اعمال که اکتساب به واسطه آنها حرام است را می شمارد می فرماید: «الخامسه التطفیف حرام... و کیف کان فلا اشکال فی حرمته ویدل علیه الادله الابعه» (شیخ انصاری، ۱۳۷۵: ۲۵)  
خداوند متعال در سوره مبارکه هود از زبان این پیامبر عظیم الشان خویش می فرماید: «و یا قوم اوفوا المکیال والمیزان ولا تبخسوا الناس اشیاءهم» وای قوم من! پیمانانه و ترازو را عادلانه کامل دهید و اشیاء مردم را کم نکنید و در زمین این همه فساد نکنید. (هود / ۸۴) علامه طباطبایی در ذیل آیه فوق در خصوص اینکه کم فروشی افساد در زمین است بیان زیبایی دارد. می فرماید: «اجتماع مدنی که بین افراد نوع انسانی دایر است در حقیقت بر اساس مبادله قرار دارد و هیچ پیوند ارتباطی بین دو فرد از افراد نوع انسانی وجود ندارد مگر اینکه در آن داد و ستد وجود دارد... پس معاملات مالی و مخصوصاً خرید و فروش از ارکان حیات انسان است که هر فردی احتیاجات ضروری زندگی خود و همچنین قیمتی که باید در برابر

آن پردازد بوسیله کیل و وزن اندازه گیری میکنند و براساس همین تقدیر و اندازه گیری به زندگی خود ادامه می دهند. بنابراین اگر در معامله به شخص خیانت کند بی آنکه او بفهمد به او کم بفروشد در حقیقت زندگی او را تباہ کرده است... وقتی این کار در اجتماع شیوع پیدا کند فساد میان آنان شیوع می یابد و چیزی نمی یابد که وثوق و اطمینان و اعتماد به یکدیگر را از دست می دهند و بدینوسیله امنیت عمومی از میان شان رخت بر می بندد و این نکبت همه گیری است که صالح و طالح، کم فروش و کامل دهندنه وزن و کیل را یکسان فرامی گیرد و بدینسان اجتماع آنان به صورت اجتماعی در میاید که بر پایه مکرو تباہی استوار است. (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۱۰ ص ۵۵۲-۵۵۳).

## ۲/۲. حرمت غبن در معامله

الغبن: به معنی ستم و بی انصافی در خرید و فروش و کلاه بر سری کسی گذاشتن است. **غَبْنٌ يَغْبِنُ وَيَغْبِنُ غَبْنًا فِي الْبَيْعِ وَالشِّرَاءِ:** در معامله کلاه بر سر او گذاشت. او را مغبون کرد. در مقابل کالا بهای کمی به او داد. (جبران مسعود، ۱۳۸۶) امام صادق علیه السلام فرمود: ان رسول الله قال: لا ضرر ولا ضرار. پیامبر اکرم ص فرمود: نباید انسان خودش ضرر ببیند و نه به دیگران ضرر وارد نماید. «این کار چه از خریدار و چه از فروشنده حرام است خواه طرف مقابل مسلمان باشد یا کافر. فرقی ندارد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۵۲) بر اساس آیه شریفه: «لا تأكلوا اموالكم بينكم بالباطل الا ان تكون تجاره عن تراض منكم» مالهای یکدیگر را به ناحق نخورید، مگر آنکه بر اساس تجارت از روی رضا و رغبت همدیگر باشد.» (نساء/ ۲۹) فقها استدلال کرده اند که هر گونه تصرف در اموال یکدیگر باید بر اساس رضایت طرفینی باشد، والا جایز نبوده و مصادق خوردن مال به باطل خواهد بود. بر این اساس اگر غبنی در معامله پدید میاید حرام بوده و معامله باطل خواهد بود چون از مصادیق اکل مال به باطل است. مگر شخص خسارت دیده حق فسخ معامله را داشته باشد. (شیخ از صاری، ۱۳۷۵: ۲۳۵).

### ۷/۳. حرمت غش در معامله

غش در معامله عملی که باعث فریب خریدار می گردد بدین معنی که او خیال می کند جنس مرغوبی خریده در حالیکه چنین نیست. غَشٌ یَغُشُ غَشًّا: او را فریب داد، نارو زد. چیزی اظهار کرد و در دل خلاف آن را داشت. (جبران مسعود، ۱۳۸۶) بنابراین غش در معامله عبارت است و انمود کردن اعطای شیء مرغوب، و بر خلاف آن عمل نمودن.

بر اساس آموزه های دینی غش در معامله حرام است خواه طرف مقابل مسلمان باشد یا کافر قرآن مجید درین زمینه در موارد متعددی دستورات لازم را داده است. «ولا تبخسوا الناس اشیاءهم ولا تعثوا فی الارض مفسدین.» پیمانۀ و ترازو را عادلانه کامل دهید و اشیاء مردم را کم نکنید و در زمین این همه فساد نکنید. (شعراء / ۱۸۳). «الناس» یعنی تمام انسانهای که در یک جامعه زندگی می کنند. در معامله با ملاک انسانی رفتار شود و غش در معامله حرام است. این کار چه از خریدار باشد و چه از فروشنده حرام است (جوادی املی، ۱۳۸۸: ۵۳) در روابط تجاری مسلمان، دو وظیفه دارد: ۱. در معامله خیانت نکند. ۲. آبروی نظام اسلامی را حفظ کند. شیخ اعظم انصاری در کتاب مکاسب محرمة دارد: الغش حرام بلاخلاف و الاخبار به متواتره. (شیخ انصاری، ۱۳۷۵: ۳۵) پیامبر اکرم ص فرمود: کسیکه ما را فریب دهد از ما نیست این جمله را سه بار تکرار کرد و فرمود کسیکه برادر مسلمانش را فریب دهد (غش در معامله نمایند) خداوند متعال برکت را از رزق او بر می دارد. (حرعاملی، ۱۱۰۴: ۶ ابواب ما یکتسب به، باب ۸۶، حدیث ۱۱)

امام صادق علیه السلام برای کسیکه آرد می فروخت، فرمود: «ایاک والغش فان من غَشَّ غُشًّا فِی مَالِهِ فَاَنْ لَمْ یَکُنْ لَهُ مَالٌ غُشًّا فِی اَهْلِهِ» هیچگاه نباید غش در معامله نمایی زیرا کسیکه این کار را انجام دهد خودش فریب خواهد خورد و اگر مالی نداشته باشد در مورد خانواده خود فریب خواهد خورد. (حرعاملی، ۱۱۰۴: ۶ ابواب ما یکتسب به، باب ۸۶، حدیث ۷)

## ۷/۴. حرمت احتکار

احتکار طعام به معنی جمع نمودن طعام و حبس آن است. احتکار احتکارا الشیء: آن چیز را جمع و انبار کرد تا گران بفروشد. (جبران مسعود، ۱۳۸۶) از امام صادق علیه السلام در باره احتکار طعام سؤال شد، که آیا اینکار {ایز است یا نه؟ حضرت فرمود: اگر طعام زیاد باشد، اشکالی ندارد ولی اگر جامعه دچار کمبود آن است؛ این کار حرام است. (حرعاملی، ۱۱۰۴: ۶ ابواب ما یکتسب به، باب ۲۷، حدیث ۲). شیخ در مکاسب می فرماید وعن کتب الصدوق، والا ستبصار، والسراير، و القاضی والتذکیرہ والتحریر والایضاح والدروس وجامع المقاصد والروضه التحريم. یعنی فتوی تحریم از شیخ صدوق، استتبصار شیخ طوسی، سرایر ابن ادريس، قاضی، تذکیرة و تحریر علامه، ایضاح الفوائد، دروس شهید، جامع المقاصد محقق کرکی و روضه شهید نقل می کند. (شیخ انصاری، ۱۳۷۵: ۲۱۲) همان گونه که غش در معامله حرام است احتکار نیز حرام است چه طرف مقابل مسلمان باشد و چه کافر. (جوادی املی، ۱۳۸۸: ۵۴).

## نتیجه گیری

طبق منابع اصیل اسلامی، صلح و همزیستی مسالمت آمیز انسان ها، با عقاید و مذاهب گوناگون، یک ارزش و هدف شمرده شده، و اسلام، صلح و همزیستی با ادیان و ملل دیگر را به صورت اصل و قاعده اساسی، در نظام تشریحی خود ملاحظه کرده است. آیاتی از قرآن کریم؛ نژادپرستی، تحمیل عقیده، و تعصب های نادرست را رد، و از پیشنهاد صلح، همکاری بر اساس اصول مشترک، و گفتگوی مسالمت آمیز استقبال می کند و ضمن به رسمیت شناختن انبیا و کتاب های آسمانی گذشته، به حقوق اقلیت ها احترام می گذارد. از مطالعه روایات اسلامی به دست می آید که همزیستی مسالمت آمیز، و ایجاد رابطه مؤدّت و دوستی با بیگانگان، امری است که مسلمانان در روابط بین الملل خود می توانند از آن بهره گیرند. سیره پیامبر که از قرآن کریم گرفته شده، حق حیات و رسمیت جوامع گوناگون را به صراحت تضمین می کند. حضرت، در روابط بین الملل با ملل غیرمسلمان،

بسیار آزادمنشانه برخورد می کرد و در نامه هایش به رؤسای دولت های معاصر، هیچگاه پیشنهاد ادغام آن ها در دولت اسلامی را مطرح نکرد.

همزیستی مسالمت آمیز سطوح مختلفی دارد، در سطح جامعه انسانی حد اقل ها را باید رعایت کرد. در این مرحله، آموزه های دینی، بیشتر بر عدم تعرض، عدم توهین، احترام و تکریم انسانیت، تأکید دارد. در سطح دوم که پیروان ادیان توحیدی مراد است، به تعاون، تعامل و گفتگو و اجتماع حول محور های سه گانه عبادت خداوند، نفی شرک و نفی رژیم های طاغوتی توصیه شده است. و سرانجام در سطح سوم یعنی در سطح برادری و اخوت دینی، همزیستی مسالمت آمیز در سطح فراتراز تعامل و تعاون توصیه گردیده است. در این سطح، آموزه های اسلامی بر کمال همکاری، ملایمت، اخوت و برادری تأکید دارد.



## فهرست منابع و مأخذ

۱. آقابخشی، علی فرهنگ علوم سیاسی، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، تهران، ۱۳۷۴.
۲. امام خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۳.
۳. انصاری، مرتضی، المكاسب، تبریز مطبعه الاطلاعات، ۱۳۷۵.
۴. جی. بلامی، آکس، جوامع امن وهمسایگان، مترجمان: محمود یزدان فام/ پریسا کریمی نیا، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۶.
۵. ذاکریان، مهدی، اخلاق و روابط بین الملل، تهران، دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۰.
۶. رهایی، سعید، آزادی دینی از منظر حقوق بین الملل، با نگاه به رهیافت اسلامی، قم دانشگاه مفید. ۱۳۸۹.
۷. صدر، محمد باقر، منهاج الصالحین، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۹۹۰.
۸. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۳.
۹. محمد مهدی کریمی نیا، همزیستی مسالمت آمیز در اسلام و حقوق بین الملل، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بین الملل، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، سال ۱۳۷۹.
۱۰. منتسکیو، روح القوانین، ترجمه علی اکبر مهدی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲.
۱۱. عمید زنجانی، عباسعلی، اسلام و همزیستی مسالمت آمیز، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۴۴.
۱۲. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، حقوق بین الملل اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳.

۱۳. جان ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، پیروز، تهران، چاپ سوم، ۱۳۵۴.
۱۴. حمیدالله، محمد حقوق روابط بین الملل در اسلام، ترجمه و تحقیق سید مصطفی محقق داماد، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، ۱۳۷۳۲
۱۵. زین العابدین قربانی، اسلام و حقوق بشر، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۷۵،
۱۶. مهر پرور، حسین، نظام بین المللی حقوق بشر، مؤسسه اطلاعات، تهران، ۱۳۷۷.
۱۷. الاحمدی المیانجی، علی، مکاتیب الرسول صلی الله علیه وآله، چاپ بیروت؛ محمد حمیدالله حیدر آبادی، الوثائق السياسیه.
۱۸. بهزادی، حمید، اصول روابط بین الملل و تحولات آن در اسلام، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۵۱، ش ۱۲، صص ۱۳۰-۱۲۹.
۱۹. الحسینی العاملی، محمد جواد، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، ج ۷، ص ۷.
۲۰. جوادی آملی، اسلام و روابط بین الملل،
۲۱. رجبی، حسین، شیوه های تعامل و همزیستی پیروان مذاهب اسلامی، قم، آثار نفیس، ۱۳۸۸.
۲۲. نور بخش، یونس، دین و همزیستی مسالت آمیز، تهران، دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۱.
۲۳. سیمبر، رضا، ارسلان، قربانی شیخ نشین، اسلام گرایی در روابط بین الملل ره یافت ها و ریکرد ها، تهران دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۹.
۲۴. النجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.

٢٥. الحر العاملي، محمد ابن الحسن، وسایل الشيعه، بيروت، دار احياء التراث

العربي، بی تا.

٢٦. مسعود، جبران، الرايد، ترجمه دكتور رضا انزابي نژاد، مشهد مقدس، آستان

قدس، چاپ پنجم، ١٣٨٦.

٢٧. مروايد، علي اصغر، سلسله الينايع الفقيهيه، الجهاد، بيروت دارالتراث

الاسلاميه، ١٩٩٠.

